رجائی، احمدعلی، ۱۳۱۲ -
اسناد سخن می‌گویند: مجموعه کامل اسناد سری مربوط به رویدادها در روابط خارجی ایران با ایالات متحده و انگلستان در دوران نهضت ملی ایران (۱۹۵۴-۱۹۵۱) (مشتمل بر ۵۰۸ سند رسمی بکلی سری و سری)/ در معرفی و بیان اهمیت اسناد این مجموعه فخرالدین عظیمی: پیشگفتار جهانگیر حق‌شناس؛ پژوهش و برگردان احمدعلی رجائی، مهین سروری (رجائی). ــ تهران: قلم، ۱۳۸۲.
۲ ج. (۱۶۸۳ ص): مصور، عکس.
ISBN: 964-316-132-3 (شابک دوره)
ISBN: 964-316-131-5 (ج. ۱)
ISBN: 964-316-133-1 (ج. ۲)
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.
۱. نفت ــ مناقشات ایران و انگلیس، ۱۳۳۰-۱۳۳۳. ۲. مصدق، محمد، ۱۲۶۱-۱۳۴۵ ۳. نفت ــ ایران ــ صنعت و تجارت ــ ملی شدن. ۴. ایران ــ روابط خارجی ــ ایالات متحده ــ اسناد و مدارک. ۵. ایران ــ روابط خارجی ــ انگلستان ــ اسناد و مدارک.
الف. عظیمی، فخرالدین، ۱۳۳۲ - . ب. سروری، مهین (رجائی)، ۱۳۱۴ - . ج. عنوان.
DSR۱۵۱۵/ر۳الف۵ ۹۵۵/۰۸۲۴۰۷۲
کتابخانه ملی ایران ۸۲-۲۸۵۰۲م

انتشارات قلم

اسناد سخن می‌گوید (جلد اول)

پژوهش و برگردان: دکتر احمدعلی رجائی ـ مهین سُروری (رجائی)

نوبت چاپ: اوّل ـ ۱۳۸۳

چاپ: پژمان

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

بها دوره ۲ جلدی: ۱۸۵۰۰ تومان

ناشر: شرکت انتشارات قلم

تهران ـ تقاطع بهار و سمیه ـ ساختمان ایرج ـ طبقه همکف ـ شماره ۶

تلفن: ۸۸۲۹۳۶۴-۸۳۱۲۸۹۳

شابک جلد اول: ۹۶۴-۳۱۶-۱۳۱-۵ ISBN: 964-316-131-5

شابک دوره: ۹۶۴-۳۱۶-۱۳۲-۳ ISBN: 964-316-132-3

CamScanner

سند۹۸از منظر نقض حاکمیت ملی ایران در تبانی شاه با سفیر امریکا و انگلیس یک فاجعه سیاسی است.

سند شمارهٔ ۹۸

تلگراف: ۳۰۵۱-۸۸.۲۵۵۳/۹

از سوی هندرسن سفیر در ایران به وزارت امور خارجه

تهران، ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۱، ۵ بعد از ظهر

سرّی، فوری

۱۲۱۵. پس از تقدیم استوارنامهٔ خود در صبح روز ۲۹ سپتامبر، به مدت چهر دقیقه با شاه و فاطمی وزیر امور خارجه گفت‌وگوی خصوصی داشتم. ظاهراً به علت حضور وزیر امور خارجه، شاه موضوع صحبت را از مسئلهٔ اختلاف نفت منحرف کرد و بر نیاز مبرم ایران به توسعهٔ اقتصادی تأکید کرد. از کمکهایی که دولت امریکا در گذشته به ایران کرده بود ابراز رضایت نمود، و غیره. وی از نتایج حاصله از سفر خود به امریکا[1] اظهار سرخوردگی و نارضایتی شدید کرد، زیرا امیدوار بوده است که این سفر موجب جلب توجه و علاقهٔ عمیق‌تر مردم و دولت امریکا به ایران شود و آنها بهتر درک کنند که چقدر برای آیندهٔ خاورمیانه و صلح جهان اهمیت دارد که ایالات متحده در اجرای برنامهٔ توسعهٔ اقتصادی به ایران کمک کند. وی امیدوار بوده است که بتواند به جلب توجه و تشخیص ایالات متحده به وقوف به این موضوع جلب کند که، صرف‌نظر از اینکه چه مقدار منابع اقتصادی و انرژی امریکا به اروپا و خاور دور تزریق می‌گردید، تا هنگامی که یک ایران ضعیف، توسعه‌نیافته، و آسیب‌پذیر وجود داشت، جهان آزاد کماکان در معرض خطر قرار دارد. از زمان برگزاری کنفرانس تهران، مردم ایران برای آیندهٔ خود به جهان آزاد چشم امید دوخته بودند و انتظار داشته‌اند که ایالات متحده رهبری کمک به آنان را به دست گیرد تا برای بهبود وضع اقتصادی‌شان اقدام کنند. پس از بازگشت وی از سفر به امریکا، سرخوردگی فراوانی پدید آمد. حزب توده و سایر گروههایی که به جای جهان آزاد به روسیه چشم دوخته‌اند بیشتر قدرت گرفته‌اند. متأسفانه احساسات ضد خارجی، به ویژه ضد غربی، نیز افزایش یافته است. او هنوز امیدوار بود که ایالات متحده پیش از آنکه بسیار دیر شود به کمک ایران بشتابد.

۲. من به شاه گفتم که دولت ایالات متحده و بخش وسیعی از مردم امریکا دیر زمانی است که به اهمیت ایران پی برده و علاقه‌مند بوده و هنوز هم علاقمندند که به ایران کمک نمایند تا به کشوری مرفه، پیشرفته، و دارای عزت نفس و استقلال سیاسی و اقتصادی تبدیل گردد. اما با وجود این منابع اقتصادی ایالات متحده نامحدود و پایان‌ناپذیر نیست و امریکا نمی‌تواند این منابع را با بی‌احتیاطی توزیع کند، و نیز نمی‌تواند بار اقتصادی همهٔ جهان را در آن واحد

سند ۹۸ از منظر نقض حاکمیت ملی در تبانی شاه با سفیر امرسکا و انگلیس یک فاجعه است.

و یکباره به دوش گیرد؛ بنابراین، ناچار شده است که کمکهای اقتصادی خود را بر مناطقی متمرکز سازد که به نظر می‌رسد در حال حاضر با بیشترین خطر روبرو هستند و می‌توانند کمکهای اعطایی را به مؤثرترین وجه به کار گیرند. به نظر من، وضعیت به نحوی در حال تحول است که برای ایالات متحده امکان‌پذیر می‌سازد که بیشتر از گذشته به ایران کمک نماید. اما افکار عمومی در امریکا اجازه نمی‌دهد که کمکهای بیشتری داده شود، مگر اینکه مردم قانع شوند که کشوری که این کمکها را دریافت می‌دارد، همزمان، خودش نیز آنچه در توان دارد برای کمک به خود انجام می‌دهد. البته نباید نادیده گرفت که فن‌آوری و مواد اولیه‌ای که از خارج می‌آید، چنانچه به طور مؤثر به کار گرفته شود، به ایران کمک خواهد کرد اما آیندهٔ کشور می‌باید به طور اساسی بر سخت‌کوشی، ابتکار، سرزندگی و یکپارچگی مردم، و روشن‌بینی رهبران سیاسی ایرانیان متکی باشد.

۳. شاه ابراز موافقت نمود. وی نگرانی خود را از گرایش روشنفکران طبقهٔ متوسط، به ویژه جوانان، به سوی کمونیسم ابراز داشت و پرسید که آیا ما نیز در امریکا با چنین مشکلاتی روبرو هستیم یا نه؟ مذاکرات ما غیررسمی و دوستانه بود و من این برداشت را داشتم که، علی‌رغم اظهار دلسردی نسبت به کوتاهی ما در گذشته در برآوردن انتظارات ایران، در دادن کمک، او هنوز به ایالات متحده به عنوان بزرگترین امید آیندهٔ ایران می‌نگرد.

۴. گفت‌وگوی دیروز بعد از ظهر من به تنهایی با شاه بیش از یک ساعت به طول انجامید. تقریباً تمام وقت به مسائل جاری مربوط به بحران مربوط به بحران نفت مربوط بود. شاه تلاش نمی‌کرد اضطراب و اندوه خود را از آنچه به نظرش ناتوانی وی در برابر اوضاع کنونی بود پنهان سازد. وی بارها و بارها با ظاهری حاکی از یأس و ناامیدی اظهار می‌کرد که «اما من چه می‌توانم بکنم، من دست تنها هستم». وی گفت که اگر جناح مخالف واقعی با سیاست نفتی مصدق وجود داشته باشد، سازمان یافته نیست و ظاهراً جرئت ابراز سخن ندارد. برخی از سیاستمداران قدیمی‌تر ایرانی، از جمله قوام، به او گفته‌اند که اگر مصدق را برکنار کند آنها سعی می‌کنند تا دولت تشکیل دهند، ولی به هر حال خودشان از مخالفت و رویارویی آشکار با مصدق امتناع کرده‌اند. نظر آنها این است که چنانچه شاه در عزل مصدق موفق شود پیش می‌آیند، ولی اگر اقدام شاه با شکست روبرو شود آنها حتی انگشت خود را نیز تکان نخواهند داد. شاه تأکید کرد که احساسات ملی علیه بریتانیا و به حمایت از مصدق، به عنوان یک مدافع شجاع منافع ایران، برانگیخته شده است. به دلیل رواج شایعات مبنی بر اینکه بریتانیا ممکن است در جنوب ایران نیرو پیاده کند، موقعیت مصدق به میزان زیادی تقویت شده است؛ امروز بعد از ظهر نمایندهٔ آیت‌الله بروجردی، متنفذترین روحانی ایران، را با پیامی از سوی وی پذیرفته است. در پیام آمده بود که همهٔ

سند ۹۸ از منظر نقض حاکمیت ملی در تبانی شاه با سفیر امرسکا و انگلیس یک فاجعه است.

ایران می‌باید در مقابل تهدیدات بریتانیا یکپارچه ایستادگی کنند و چنانچه بریتانیا به ایران حمله کند، باید جبهه‌ای متحد تشکیل شود. این پیام از سوی برجسته‌ترین روحانی محافظه‌کار، حائز اهمیت فراوان است. مفهومش این است که آن محافل مذهبی که به طور کلی مخالف جنجال‌آفرینی هستند، با دولت، لااقل در موضوع نفت، متحد شده‌اند. متأسفانه این پیام در حضور افراد مختلفی تسلیم شده است و به احتمال زیاد هم‌اکنون در بازار انتشار یافته است و در آنجا قطعاً تأثیر فراوان می‌بخشد. اعلام اینکه بریتانیا اختلاف خود را در شورای امنیت مطرح ساخته است، کار برکنار نمودن مصدق را که اعلام داشته اگر سلامت وی اجازه دهد، شخصاً برای دفاع از ایران در شورای امنیت حاضر خواهد شد، باز هم دشوارتر ساخته است. اگر شاه اکنون مصدق را برکنار سازد، دوستان مصدق می‌توانند به طرفداران و علاقمندان به او بگویند که شاه اجازه نمی‌دهد که قهرمان برجستهٔ ملی در شورای امنیت از کشور دفاع کند. «انگلیسی‌ها به من می‌گویند که باید مثل یک مرد نیرومند به اقدامی قاطع مبادرت نمایم، ولی این به اصطلاح مردان نیرومند، مانند پدر من، هیتلر، استالین و غیره، هنگامی قاطع و جسورانه عمل کردند که می‌دانستند احساسات ملی پشتیبان آنهاست. آنان هیچ گاه گامی برخلاف احساسات اصیل مردم خود برنداشتند. در مورد نفت، احساسات ملی ایران علیه انگلستان است، این احساسات را عوامفریبان شعله‌ورتر ساخته‌اند، من هر اندازه هم که بخواهم نیرومند و قاطع باشم، نمی‌توانم برخلاف قانون اساسی بر ضد جریان نیرومند احساسات ملی حرکتی بکنم. من این بار چه شعارهایی را باید تغییر دهم؟ هنگامی که احساسات ملی چنین برانگیخته شده است، آیا تقاضای توازن بودجه یا افزایش درآمد ملی ممکن است چندان تأثیری داشته باشد؟ من می‌دانم که سیاستهای مصدق ایران را به سوی نابودی می‌کشاند؛ من تشخیص می‌دهم که، علی‌رغم بهره‌کشی انگلستان از ما یا حتی در مواردی خیانت به ما، اگر بخواهیم به عنوان یک کشور مستقل باقی بمانیم، باید دوستی و حمایت انگلستان را حفظ کنیم؛ من می‌دانم که اگر انگلیس با شخص من مخالفت کند، نظام سلطنتی ما، که به عقیدهٔ من عامل اصلی ثبات در کشور ماست، ممکن است سقوط نماید؛ ولی من چه می‌توانم بکنم؟ من اطمینان دارم که در حال حاضر اگر اقدامی برای برکناری مصدق انجام دهم، به دوستان وی و دشمنان من فرصت داده می‌شود که مردم ایران را متقاعد کنند که سلطنت تنها به یک آلت دست انگلستان تبدیل شده است و اعتباری که سلطنت دارد از میان می‌رود. تنها امید من این است که یا مصدق سر عقل بیاید و منطقی‌تر شود یا آنقدر اشتباهات متعدد مرتکب شود که مقامات مسئول ایران وی را از طریق مجلس ساقط کنند. ولی این امید به هر حال برای سفیر بریتانیا، که امشب با من ملاقات می‌کند، جاذبه‌ای ندارد. هنگامی که وی دریابد

سند ۹۸ از منظر نقض حاکمیت ملی در تبانی شاه با سفیر امرسکا و انگلیس یک فاجعه است.

من فکر نمی‌کنم که باید هم‌اکنون مصدق را برکنار کنم، خشمگین می‌شود و دولت وی ممکن است شروع به مخالفت با من کند.»

۵. من به شاه گفتم که من اصراری به برکناری مصدق ندارم. او بهتر از من می‌داند که چه می‌تواند و چه نمی‌تواند انجام دهد. به نظر من، با این وصف اوضاع ایران روز به روز بحرانی‌تر می‌شود و ممکن است سرانجام توسل به راهکارهای تند ضروری باشد. گفتم که من مایلم که تماس خود را با وی حفظ کنم تا چنانچه در آینده پیشنهادهایی به نظرم رسید ارائه دهم؛ و امیدوارم که وی تشخیص دهد که این پیشنهادها تنها به منظور نجات ایران ارائه می‌گردد. شاه گفت که مایل است مرا گاه به گاه ببیند. در حال حاضر وی نمی‌داند که به کجا متوسّل گردد.

۶. شاه گفت که در حال تلاش است تا مصدق را متقاعد کند که منطقی‌تر عمل کند. بنابراین علاء را روز قبل نزد وی فرستاده و علاء گزارش داده است که ظاهراً مصدق با لحنی ملایم صحبت می‌کرده است. شاه اظهار امیدواری کرد که ایالات متحده و انگلستان پیشنهادهایی ارائه کنند که باب گفت‌وگو را دوباره باز کند. متأسفانه انگلیس آخرین پیش‌درآمد پیشنهادی خود وی را نیز به شیوه‌ای بسیار بی‌ادبانه رد کرده بود.

۷. علاء دیشب به من تلفن کرد و اظهار داشت که هنوز امیدوار است که پیام آیت‌الله بروجردی معتبر نباشد. وی مشغول رسیدگی است و مرا از نتایج آن مطلع خواهد کرد.

هندرسن

۱. برای ملاحظهٔ اسناد سفر شاه به ایالات متحده از ۱۶ نوامبر تا ۳۰ دسامبر ۱۹۴۹، نک به: *Foreign Relations*, 1949, vol. VI, pp. 471 ff.

سند شمارهٔ ۹۹

تلگراف: ۱۵۱-۱۰/۸۸۸.۲۵۵۳

از سوی گیفورد سفیر در بریتانیا به وزارت امور خارجه[1]

لندن، ۱ اکتبر ۱۹۵۱، ۶ بعد از ظهر

کاملاً سرّی، خیلی فوری

(پس از دریافت بلافاصله ملاحظه نمایند)

۱۵۸۱. من از پیدایش شکاف و تفاوتی که در چند روز گذشته میان ما و انگلستان به خاطر ماهیت قطعنامه‌ای که قرار است در مورد ایران به شورای امنیت تسلیم شود، بسیار نگرانم. همان طور که ما مدتی است کوشیده‌ایم تا ضمن تلگراف‌های خود توضیح دهیم، به طور کلی، در اینجا

در۴دی۱۳۳۰ شاه به هندرسن می‌گوید مصدق را باید فقط با کودتا برکنار کرد.

ترجیح دهد به جای درگیر شدن در یک مذاکرهٔ طولانی با مصدق مستقیماً به شاه در این باره مراجعه کند. (۶۱۵-۱۲/ برنامهٔ دفاع مشترک ۷۸۸.۵).

۴. در تاریخ ۲۶ دسامبر هندرسن گزارش داد وی دو روز قبل در بارهٔ تبادل نامه‌ها با نخست‌وزیر گفت‌وگو نمود و نخست‌وزیر حتی غیرمنطقی‌تر و انعطاف‌ناپذیرتر از گفت‌وگوی قبلی به نظر رسید، هیچ توافقی در بارهٔ مفاد نامه‌ها حاصل نگردید و مصدق اظهار نمود که نمی‌تواند وارد جریان مبادله نامه‌ها بدون تصویب قبلی مجلس گردد. (۲۶۵۱-۱۲ برنامهٔ امنیت مشترک ۷۸۸.۵).

سند شمارهٔ ۱۳۸

تلگراف: ۲۶۵۱-۱۲/۸۸۸.۲۵۵۳

از سوی هندرسن سفیر در ایران به وزارت امور خارجه[1]

تهران، ۲۶ دسامبر ۱۹۵۱، ظهر

سرّی، فوری

(به محض دریافت ملاحظه شود)

۲۳۲۹ .....

۱. در اواخر بعد از ظهر روز ۲۲ دسامبر با شاه به مدت یک ساعت گفت‌وگو نمودم. به نظر می‌رسید که درمانده، دلسرد و مایل به قبول جبری سرنوشت بود ما در بارهٔ مسائل زیر مذاکره نمودیم:

(الف) پیشرفت در مبادله یادداشتهای مربوط به کمکهای اقتصادی

(ب) مفاد مواد قانون باتل

(پ) جهات کلی سیاست کمکهای ایالات متحده به ایران

(ت) سیاستهای مصدق و امکان اینکه مصدق منطقی‌تر و خردمندتر بشود یا اینکه نخست‌وزیر دیگری جانشین وی گردد.

۲. من با شاه در بارهٔ مشکلاتی که در انجام مبادله یادداشتهای مربوط به کمکهای اقتصادی و نظامی هیئت مشاوران نظامی مواجه شده بودم، با توجه به دستورات گوناگون وزارت امور خارجه گفت‌وگو نمودم. همچنین با وی در بارهٔ سردرگمی‌های ناشی از ترکیب مواد قانون باتل و قصد بیان شده از سوی مصدق برای فروش نفت به بلوک شوروی، اگر کشور مزبور مایل به خرید باشد، نیز صحبت کردم.

۳. شاه اظهار کرد که اگر رویدادها چنان دست به دست هم دهند که برای امریکا امکان دادن کمکهای مالی، اقتصادی و نظامی به ایران میسر نباشد، وی امیدوار بود راهی برای توضیح دادن موضوع به مردم ایران بتوان یافت تا واکنش آنان خیلی شدید و تند نباشد. وی نگران

زمانی بود که تودهٔ مردم ایران از قطع کمکهای امریکا اطلاع یابند، احتمال می‌رود باور نمایند که امریکا به منظور رها نمودن ایران در چنگ کمونیست‌ها به بریتانیا پیوسته است و کلیهٔ دوستان جهان غرب ممکنست امید و همچنین تهور مقاومت در قبال فشار کمونیسم را از دست بدهند.

۴. من به شاه گفتم به نظر من اینگونه می‌رسد ما نبایستی در صورت قطع کمک امریکا در بارهٔ اینکه چه باید بکنیم، بیندیشیم بلکه بایستی فکر کنیم برای جلوگیری از قطع آن چه بایستی انجام دهیم. شاه پاسخ داد ترکیب قوانین ایالات متحده و تصمیم آشکار مصدق در خودداری از برداشتن گام‌هائی که ایران را واجد شرایط برخورداری از کمک امریکا می‌نماید، ممکن است منجر به قطع کمک امریکا شود. وی نمی‌دانست در این باره چه می‌توانست بکند. وی به ویژه نگران دانشجویان نظامی ایران که آمادهٔ سفر به ایالات متحده می‌شدند و آنهایی که اینک در امریکا هستند، بود. در هر صورت باور نداشت که مصدق اهمیت چندانی به آنچه برای دانشجویان نظامی و یا اصولاً به آنچه برای نیروهای دفاعی ایران پیش آید، بدهد.

۵. من گفتم عمیقاً نگران مسیری که ایران هم‌اکنون در پیش گرفته می‌باشم. من برای مصدق بالاترین میزان احترام را به عنوان یک مرد میهن‌دوست و یک رهبر قائل بودم. اما به نظر من چنین می‌آمد که در چند ماه گذشته آنچه را ایران توانسته بود انجام دهد به جای دارا بودن جنبهٔ سازندگی ماهیت خراب‌کننده داشت. شرکت نفت ایران و انگلیس به خارج رانده شده بود و نفوذ بریتانیا در ایران به میزان زیادی کاهش یافته بود و عملاً هیچ اقدامی انجام نگرفته بود تا به هر حال زخمهای بزرگ سیاسی و اقتصادی را که ایران برای به دست گرفتن کنترل منابع نفتی خویش تحمل کرده بود، درمان نماید. منابع درآمد بسیار ضروری برای زندگی اقتصادی و مالی ایران قطع شده و به نظر می‌رسید هیچ برنامهٔ عملی برای جانشینی منابع مزبور طرّاحی نشده بود. به نظر می‌رسید مصدق امیدوار بود مقداری پول و درآمد از فروش نفت به کشورهای بلوک شوروی و یا از راه استقراض از امریکا به دست آورد. هر پولی که ممکن است از این منابع به دست آید تنها می‌تواند یک جایگزین موقت باشد و مشکلات ایران را حل نمی‌نماید. گفتم هنوز هم انتظار داشتم تا نویدی در بارهٔ یک برنامهٔ سازنده که بتواند نوید استقرار مجدد ثبات اقتصادی و سیاسی در کشور را بدهد، به گوشم برسد.

۶. شاه گفت در بارهٔ برکناری مصدق و جانشینی او با نخست‌وزیر دیگری فکرهایی کرده ولی نتوانسته بود شخص مناسبی که بتواند کار را به عهده بگیرد بیابد. به علاوه چون هیچ گروه متشکلی که به طور مؤثری مخالف مصدق باشد در کشور وجود نداشت، وی نمی‌دانست جز از راه کودتا چگونه می‌شد تغییری به وجود آورد. به دنبال یک کودتای موفقیت‌آمیز بایستی حداقل برای مدت کوتاهی یک رژیم دیکتاتوری بر سر کار آید و وی نمی‌دانست به چه کسی

می‌توانست برای رهبری چنین رژیمی اعتماد کند. من تصدیق نمودم که موضوع دشوار بود. گفتم به عقیدهٔ من هر نخست‌وزیری که جانشین مصدق شود می‌بایستی مردی اهل تصمیم، شجاع، با توان تشکیلاتی و وفادار به شاه باشد و همچنین به مردم ایران و رفاه آنان صادقانه علاقه‌مند باشد. احتمالاً در اینکه چنین شخصی را در کجا باید بیابند شاه در موقعیت بهتری از من قرار دارند. نمی‌خواستم در درک اظهارات من برای شاه سوءتفاهم پیش بیآید. من پیشنهاد اجرای یک کودتا و یا انجام اقدامی خارج از شرایط قانونی از سوی شاه یا کس دیگری را نمی‌کردم. تنها سعی می‌کردم خاطرنشان نمایم که به نظر من ایران در حال حاضر به سوی نابودی و تباهی پیش می‌رفت و فقط با اقدام خود ایرانیان نه به وسیلهٔ امریکا و یا هر کشور بیگانهٔ دیگری می‌توانست نجات یابد. اگر ایرانیان تنها با یک دید قضا و قدری و ناامیدی به آنچه روی می‌داد بنگرند، ایران قطعاً از دست می‌رفت.

۷. شاه از اظهارنظرهای من تشکر نمود و گفت تنها پیشنهاد وی در حال حاضر این بود که مجدداً با مصدق گفت‌وگو نمایم. و اگر گزارش نتیجهٔ مذاکراتم را به علاء اطلاع دهم ممنون می‌گردید. وی می‌خواست تا آنچه در توان داشت در بارهٔ موضوع انجام دهد ولی مطمئن نبود کمک وی تا چه حد می‌توانست مؤثر باشد. او مجدداً با نگرانی اظهارنظر نمود که دادن کمکهای امریکا به ایران چهار سال دیر شده بود. طی این چهار سال بسیاری از ایرانیان که در سالهای ۱۹۴۵، ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ امید زیادی به غرب بسته بودند مأیوس شده و نفوذ خود را از دست دادند. ایران با احساس اینکه شدیداً منزوی گردیده به تدریج از نظر روانی بیمار شده بود. وی امیدوار بود ایالات متحده در برخوردهای خود با ایران به یاد بیاورد که ایران یک ملّت بیمار بود و نمی‌شد از آن انتظار داشت به طور طبیعی رفتار نماید. بنابراین، ایالات متحده بایستی صبر داشته و همهٔ کمک‌های لازم را صورت دهد. در جهان غرب گرایشی برای استهزاء ایران هنگامی که به نظر می‌رسید رویه و نگرشی غیرمنطقی و نابخردانه‌ای اتخاذ می‌نموده وجود داشت. وی امیدوار بود ایالات متحده از خود تفاهم و همدلی نشان دهد و تا آنجا که ممکن است استثناء قائل شود و دریافت کمک را برای کشوری که نیاز فراوانی به آن دارد، آسان سازد.

هندرسن

۱. در دو بخش مخابره شده و رونوشت آن به سفارت در لندن مخابره گردید.